



## نگاهی به کتابشناسی فردوسی و شاهنامه\*

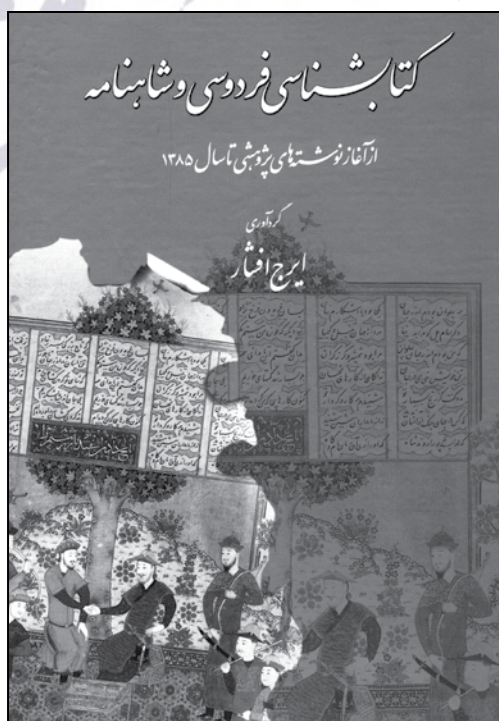
کامران فانی

معرفی کتابشناسی شاهنامه و فردوسی به نظر من بیش از چند ثانیه وقت نمی‌گیرد. صرفاً کافی است بگویم کتاب راجع به فردوسی است؛ بزرگترین پاسدار فرهنگ و زبان ایران، و به وسیلهٔ ایرج افشار — بزرگترین کتاب‌شناس ایرانی — تهیه و تنظیم شده. همین برای معرفی کافی است که ما با کتاب ارزنده‌ای سر و کار داریم. بقیه چیزهایی که من می‌گویم حواشی‌ای است بر این کتاب و یک مقدار اطلاعات در مورد کتاب‌شناسی.

ایرج افشار بنیان‌گذار بود. آغازکنندهٔ کتاب‌شناسی بود. نخستین بار کتاب سال را ایشان منتشر کرد. آغازکنندهٔ «فهرست مقالات» بود؛ یعنی تنها کاری که فقط ایشان در ایران انجام داد و شریکی نداشت و آغازکنندهٔ «کتاب‌شناسی فردوسی» بود. قبل از آن ما هیچ کتاب‌شناسی‌ای دربارهٔ مشاهیر خودمان به این معنی نداشتیم. شاید تنها کتاب، کتاب فهرست مصنفات بوعلی سینا باشد که مرحوم دکتر یحیی مهدوی تهیه کرده بود؛ اما از نوعی دیگر بود. در واقع اولین بار بود که ما کتاب‌شناسی در مورد مشاهیر گذشته را تهیه می‌کردیم.

کتاب‌شناسی فردوسی و شاهنامه نخستین بار در سال ۱۳۴۷ به وسیلهٔ انجمن آثار ملی چاپ شد و امروز با چاپ سوم یا به عبارتی چهارم سر و کار داریم. من سعی می‌کنم گشت‌گذاری در این کتاب بکنم. این بنیان کتاب‌شناسی بود. کتاب‌شناسی‌های بعدی که چاپ شدند، الگویی داشتند که همان کتاب ایرج افشار بود. کتاب‌شناسی مولوی را سرکار خانم دکتر ماندانا صدیق بهزادی تهیه کرد. کتاب‌شناسی حافظ را دکتر مهرداد نیک‌نام. کتاب‌شناسی خیام را خانم انگورانی و

استاد ایرج افشار دیگر در میان ما نیست. فقدان او را احساس می‌کنیم و می‌دانیم که وجودی یکتا و یگانه بود، جانشین‌ناپذیر بود؛ اما با نگاهی دیگر باز می‌دانیم که ایرج افشار در میان ماست. هر بار که گذشت زمان غبار فراموشی به یاد او پیاشد، آثارش این غبار را می‌زداید و چهرهٔ پرمهر و حضور پربرکت او را جلوه‌گر می‌سازد. خود این مجلس شاهی بر این مدعا است. هنوز سه ماه از درگذشت او نگذشته که سه کتاب جدید به قلم او منتشر شده است. معرفی یکی از این کتاب‌ها را بنده به عهده دارم.



\* متن سخنرانی استاد کامران فانی در جلسهٔ بزرگداشت شادروان استاد ایرج افشار (ارج ایرج) در تالار فردوسی، دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، دوشنبه ۹ خرداد ۱۳۹۰.

تا حالا کتاب‌شناسی سعدی تهیه نشده است.

به هر حال الگوی تمام این‌ها کار ایرج افشار بود. چرا موفق بود؟ علت این بود که ایرج افشار تسلط بی‌نظیری بر منابع داشت. گستردگی اطلاعات ایشان، آشنایی ایشان با محققین و در کنار آن دقت، پیگیری و پشتکاری که داشت باعث شد که این کتاب‌شناسی به عنوان بهترین نمونه کارهایی که در حوزه اطلاع‌رسانی انجام می‌شود، در مقابل ماست. کتاب‌شناسی فردوسی در چاپ اول حدود ۹۰۰ مقاله داشت. در چاپ دوم که چند سال بعد بود، به ۲۰۰۰ مقاله رسید. امروز که با چاپ جدید آن مواجه هستیم، به ۶۰۰۰ کتاب و مقاله رسیده. در اینجا باید از مرکز میراث مکتوب تشکر کرد که این کتاب را به این زیبایی چاپ کرده است. افشار مقدمه‌های کتاب‌های خود را در چاپ‌های بعد هم تکرار می‌کرد. در اینجا هم مقدمه چاپ اول آمده، مقدمه چاپ دوم هم آمده. ایشان مقدمه‌ای به نام مقدمه چاپ سوم نوشته‌اند؛ اما وقتی شما به فهرست‌نویسی کتابخانه ملی این کتاب‌شناسی رجوع کنید، می‌بینید که این چاپ چهارم است. پس چاپ سوم کجاست؟ افشار ویرایش دوم کتاب‌شناسی را در سال ۱۳۵۵ چاپ کرد و بعد از انقلاب مدت‌ها این کتاب چاپ نمی‌شد. در سال ۱۳۸۲ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی این کتاب را عیناً اُفست کرد. یادم هست که آقای افشار چقدر ناراحت بود. ایشان معتقد بود معنی ندارد ۳ یا ۴ هزار مقاله را که در این ۲۵ سال به کتاب اضافه کرده بود، ندیده بگیرند و همان چاپ قدیمی را اُفست کنند. بنابراین هیچ‌وقت ایشان این چاپ را به عنوان چاپ قبول نداشت و معتقد بود کتاب‌شناسی اگر تجدید چاپ می‌شود حتماً باید تجدید نظر بشود و حتماً اضافه شود و تصحیح شود. کتاب‌شناسی ابزار کار تحقیق است و ابزار مهمی است. این ابزار باید به‌روز باشد. بنابراین آن چاپ را افشار همیشه نادیده می‌گرفت و در این چاپ نهایی که راجع به بزرگترین پاسدار زبان فارسی و متفکر فرهنگ ایرانی ایشان تهیه کرده‌اند، من یک گشت و گذاری می‌کنم با اجازه شما.

این کتاب‌شناسی در چند بخش تهیه شده؛ بخش اول راجع به آثاری است که در مورد فردوسی و شاهنامه است و به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده است. اول مقالات آمده، حدود ۳۰۰۰ مقاله راجع به فردوسی و شاهنامه در اینجا جمع شده است به ترتیب الفبایی نام نویسندگانشان. به دنبال آن حدود ۱۰۰۰ کتاب که به زبان فارسی و احیاناً

اردو و عربی قدیم راجع به فردوسی نوشته شده، آمده. بخش دیگر قسمت خارجی آن است؛ مجموعه مقالات و کتاب‌هایی که به زبان‌های غربی و اروپایی منتشر شده که شامل حدود ۷۰۰ مقاله به زبان‌های خارجی است (اکثراً آلمانی، فرانسه، انگلیسی) و حدود ۱۸۰ کتاب مستقل و منفرد؛ یعنی ۱۸۰ کتاب به زبان‌های غیر فارسی در مورد فردوسی به چاپ رسیده و فکر می‌کنم یک درصد این‌ها هم به فارسی ترجمه نشده است. یکی از کارهای مهم این است که ما کتاب‌ها و مقالاتی را که ارزش دارند انتخاب کنیم و آنها را به زبان فارسی در دسترس دست‌اندازان ادب فارسی قرار بدهیم.

بخش دوم کتاب در مورد ترجمه‌هاست. خیلی مهم بوده است که فردوسی بیشترین ترجمه‌ها را در سطح دنیا دارد. شاهنامه به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده. اولین ترجمه شاهنامه به زبان لاتینی بوده است در قرن هجدهم. حتی قبل از آن که متن فارسی این کتاب چاپ شود، منتخبی از آن به زبان لاتین چاپ شد. بعد منتخب آن به زبان‌های آلمانی و انگلیسی چاپ شد و تمام اینها قبل از آن بود که به زبان فارسی چاپ شود. اقبال غربی‌ها به شاهنامه خیلی زیاد بوده. در واقع آن‌ها بودند که متوجه اهمیت حماسه در شناختن فرهنگ اقوام دیرسال شدند. افشار در اینجا سعی کرده در هر زبانی که فردوسی به آن زبان ترجمه شده، آن ترجمه را بیاورد و معرفی کند. به زبان عبری وجود دارد به زبان عربی و زبان‌های شرقی هم وجود دارد. این ترجمه‌های انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی اند که مهم‌اند. شاهنامه کتاب مفصلی است. ترجمه آخری و مفصلی که از شاهنامه شده توسط «دیکسون» که شاعر آمریکایی هم هست، تمام آن به شعر به زبان انگلیسی ترجمه شده و ترجمه شاهنامه به زبان آلمانی هم در اوایل قرن ۱۹ توسط یک شاعر بزرگ آلمانی به اسم «روکرت» ترجمه شده و اینها ترجمه‌های مهمی هستند از لحاظ زبان آن کشور که نشان می‌دهد چقدر اهمیت دارد که کشورهای دیگر حماسه کشوری دیگر را به زبان خودشان ترجمه کنند.

بخش جالب این کتاب‌شناسی، چاپ کتاب‌های فردوسی، یعنی چاپ شاهنامه است. قبل از این بخش، افشار بیش از ۸۰۰ نسخه خطی شاهنامه را به ترتیب تاریخ معرفی کرده است. از شاهنامه فلورانس که قدیمی‌ترین است، تا شاهنامه‌های قرن سیزدهم (دوره قاجار). در اینجا از چاپ شاهنامه سخن گفته است؛ اولین بار متن کامل شاهنامه به زبان فارسی در



هند چاپ شد در سال ۱۸۱۱. این ۱۸۱۱ به یاد من انداخت که امسال دویستمین سال اولین چاپ متن کامل شاهنامه به زبان فارسی است و شایسته بود که آن را جشن می‌گرفتیم چون به هر حال آنچه امروز مردم از شاهنامه می‌دانند، شاهنامه‌چاپی است و این که امسال درست ۲۰۰ سال از چاپ شاهنامه می‌گذرد. چاپ اول را برای این که شما ببینید چگونه بوده، آقای افشار چندین صفحه از آن را در آخر کتاب آورده است. با حروف سُرّبی هم چاپ شده، نه حروف سنگی. و از این نظر خیلی جذاب است. اولین چاپ شاهنامه در ایران در ۱۸۵۰ (اوایل دوره ناصرالدین شاه) و در تهران انجام شد. چاپ‌های مختلف دارد. یک چاپ بسیار زیبایی معروف دارد به اسم اولیا سمیع. یک چاپ معروف دیگر هم در ایران داشته به نام چاپ بهادری که امیربهادر جنگ آن را درست کرد. این‌ها همه شاهنامه‌های مصور هم هستند و معمولاً با چاپ سنگی و با خط نستعلیق چاپ شده‌اند. بعدها چاپ‌های مختلفی انجام شد. بهترین چاپ را در سال ۱۸۳۰، ژول مول انجام داد و در ۷ یا ۸ جلد بزرگ قطع سلطانی این کتاب را چاپ کرد که آدم از زیبایی حروف آن لذت می‌برد. چاپ‌های دیگر شاهنامه هم چاپ فولرس بود که در آلمان انجام شد. چاپ‌های خود ما هم بود و آخرین چاپ هم چاپ دکتر خالقی مطلق است. اینها چاپ‌های کامل هستند. به دنبال آن، استاد افشار چاپ‌های منتخب شاهنامه، تک‌داستان‌ها و چند داستان را در کنار هم آورده است. شاید بیش از ۱۰۰۰ چاپ مختلف از شاهنامه را به دست آورده است. و در آخر هم به یوسف و زلیخا اشاره کرده که تا مدت‌ها آن را به فردوسی نسبت می‌دادند.

۱۵۰ صفحه آخر کتاب را باید خواند. در آنجا انواع مطالب جالب و تحقیقات شاهنامه‌ای و راجع به فردوسی را جمع کرده؛ از جمله از خودشان متنی گذاشته‌اند که خیلی جالب است. متن یک فیلم مستند است که در سال ۱۳۵۶ در مورد شاهنامه تهیه شده بوده و از آقای افشار خواسته بودند که راجع به شاهنامه و سیر کتاب‌هایی که در مورد آن نوشته شده و چاپ‌هایی که شده توضیح بدهند. مقاله خواندنی است و نشان می‌دهد شاهنامه در سراسر دنیا به چه نحوی چاپ می‌شد و چه طور مورد اقبال عامه مردم قرار می‌گرفت. افشار نقدهایی که بر

کتاب‌شناسی فردوسی نوشته‌اند، از جمال‌زاده گرفته که آن زمان نوشته بود تا شفیع کدکنی و... تا نقدهای خارجی‌ها بر این کتاب‌شناسی، همه را چاپ کرده که این هم خواندنی است و هر کس می‌خواهد این کتاب‌شناسی را بهتر بشناسد باید آن‌ها را بخواند.

نکته جالب‌تر در پیوست‌های آخر کتاب، راجع به هزاره فردوسی است. هزاره فردوسی اولین بار در سال ۱۳۱۳ برگزار شد. این هزاره برای ایران هم مهم بوده، اولین بار بود که ایران جشنی جدی راجع به بزرگان خودش برگزار می‌کرد، اولین بار بود که ایران توفیق زیادی به دست آورده بود که اجرای این مراسم با آن بوده، منوی غذایی را که شب می‌دادند هم آقای افشار آورده است. سعید نفیسی عادت داشت همه چیز را نگه دارد و منو هم از ایشان بوده. البته آقای افشار هم همین‌طور بودند. هیچ چیز را دور نمی‌ریختند. در آنجا آمده که در سخنرانی امشب لیموناد و سیگار هم سرو می‌شود. در کنار آن، مراسم دیگر مثل مراسم چوگان‌بازی را آورده؛ یعنی از مهمان‌های جشنواره دعوت کرده بودند که از بازی چوگان که در شاهنامه فراوان از آن ذکر شده، دیدن کنند. بیش از ۱۰ نمایش بر مبنای داستان‌های شاهنامه در قالب تئاتر در آن سال اجرا شده که خود این نمایشنامه‌ها را آورده و مجموعه کل نمایشنامه‌هایی که تا حالا بر مبنای شاهنامه و داستان‌هایش نوشته شده، فهرست این‌ها را هم داده است. چه خوب بود که به دنبال آن فهرست‌های دیگر را هم به این صورت می‌داشتیم. آقای افشار تا توانسته اینها را جمع کرده و گفته است که من می‌دانم که آیندگان باید این کار را تکمیل کنند. در آخر کتاب هم نمایه‌ها را آورده که هر کس از طریق موضوع بخواهد به مقاله‌ها و کتاب‌ها دسترسی پیدا کند می‌تواند به آن رجوع کند.

کتاب‌شناسی فردوسی به نظر من الگویی است برای تمام کتاب‌شناسی‌هایی که در آینده لازم است درباره مشاهیر خودمان تهیه کنیم. باید همان دقت و صحتی که در این کتاب‌شناسی آمده الگوی کار ما قرار بگیرد، این الگویی است که ایرج افشار برای ما به یادگار گذاشته است.

